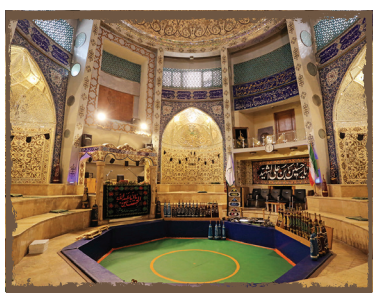


لمپنی که خانه و زورخانه جایزه گرفت



صله دیگر شاه به او بود؛ بنایی که اکنون در اختیار خانه احزاب قرار دارد و نقل شده که شعبان جعفری خود در این خانه زندگی نکرده است.»

که شعبان جعفری زورخانه زیبا را در آن بنا کرد تا به پاتوق او و نوجوهایش تبدیل شود. همچنین خانه شعبان جعفری هم که در چهارراه ابوسعید واقع شده،

■ موضوع: خوش خدمتی شعبان جعفری و هدیه ویژه شاه به او
■ موقعیت: زورخانه‌ای در ضلع شمالی پارک شهر، خانه در چهارراه ابوسعید

کودتای ۲۸ مرداد به همان اندازه که یادآور نام محمد مصدق است، با نام برخی ارادل و اوباش تهران نیز گره خورده است. «شعبان جعفری» یکی از همان گنده‌لات‌های تهران بود که به پاس خدماتی که به شاه ارائه کرد مثل دیگر اوباش صله و جایزه گرفت. اردشیر آل عوض، محقق و تهران‌پژوه درباره ارادل و اوباش و دار و دسته شعبان جعفری می‌گوید: «لات‌ها و باباشمل‌ها در برخی دستگاه‌ها نفوذ زیادی داشتند و نفوذ آنها باعث شد تا شعبان جعفری در روز کودتا از زندان آزاد شود و با دار و دسته‌اش از چهارراه گلوبندک خودش را به جمع ارادل و اوباش چماق‌به‌دست در میدان بهارستان برساند. عمده شرارت شعبان جعفری به بعد از کودتای ۲۸ مرداد و پس از آزادی دکتر مصدق در سال ۱۳۳۵ برمی‌گردد. او پس از آزادی مصدق و اقامتش در احمدآباد مستوفی بارها مزاحم مصدق شد. هر چند به اعتقاد برخی‌ها شعبان جعفری در روز کودتا نقشی در درگیری‌های خیابانی نداشت، چرا که او در این روز هنوز زندانی بود و عملاً پس از اعلام پیروزی کودتا از رادیو بود که از زندان آزاد شد. به عبارت دقیق‌تر، شعبان جعفری روز نهم اسفند ۱۳۳۱ همراه با برادرش به خانه دکتر مصدق حمله کرد و در پی این حمله دستگیر و زندانی شد و تا ساعت ۲ بعدازظهر ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در زندان بود.» به پاس خوش خدمتی او، خانه و زورخانه‌ای به او هبه شد. آل عوض می‌گوید: «شعبان جعفری چند روز بعد از کودتا، همراه با دیگر اوباش به باغی در شمال تهران دعوت شد و به پاس خدماتش صله دریافت کرد. یکی از آن جوایز، زمینی در ضلع شمال پارک شهر فعلی بود

روز تناقض‌ها و تضادها



■ موضوع: شعارهای روز کودتا
■ موضوع: خیابان ناصر خسرو و دیگر خیابان‌های اصلی تهران

«از خون خود گذشتیم، با خون خود نوشتیم، یا مرگ یا مصدق» صبح ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فریاد تظاهرکنندگان یکی پس از دیگری به گوش می‌رسید. گروهی که به نفع مصدق به خیابان‌های تهران آمده بودند و قماش‌هایی که به طرفداری از شاه فریاد می‌زدند.

شعار دهندگان صرفاً تهرانی نبودند. به برکت آزادی مطبوعات و رسانه در دوره نخست‌وزیری مصدق خبرها در بیشتر نقاط کشور و شهرهای کوچک و بزرگ می‌پیچید. برای همین در روز ۲۸ مرداد خیلی‌ها هم از شهرهای دیگر راهی پایتخت شدند.

از روزهای پایانی تیرماه ۱۳۳۱ تا روز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مردم شعارهای مختلفی را زمزمه می‌کردند. در اغلب تظاهرات شعار «ما بنده یزدانیم، ما پیرو قرآنیم، ما شاه نمی‌خواهیم» را فریاد می‌زدند. شعارهایی همچون «زنده‌باد مصدق و یا مرگ یا مصدق» همه‌جا شنیده می‌شد. تأکید بیشتر شعارها بر شاه و خاندانش بود. به خصوص که آیت‌الله کاشانی نیز بر این موضوع تأکید کرده و پیام داده بود: «خودش را در شعارها هدف قرار بدهید؛ خود شاه را، تا خودش را در خطر قرار ندهید مردم را رها نمی‌کند.» این شعارها میان احزاب، جوانان و حتی دانش‌آموزان بسیار رواج داشت. نصرالله حدادی، تهران‌پژوه در این باره می‌گوید: «خیلی‌ها از جمله پدر خود من به چشم خود دیده بودند که ماشینی از ناصر خسرو به سمت بالا می‌رفته و مردم همراه آن شعار «زنده باد مصدق» و «دشمنان دق کنند، دق، زنده باد مصدق» بر زبان داشتند و همان ماشینی و آدم‌ها در مسیر بازگشت شعار «مرگ بر مصدق» را فریاد می‌زدند. جماعتی که اصلاً نمی‌دانستند موضوع اصلی چیست و به میدان آمده بودند.» چند روز بعد از کودتا یعنی اول شهریور ۱۳۳۲ به دستور زاهدی همه شعارهایی که درباره شاه و آمریکایی‌ها بود از دیوارهای شهر پاک شد.

سرقت اسناد تاریخی از گاوصندوق خانه مصدق

می‌گوید: «عبدالله جندقی روایت می‌کند که ۲ سند مهم از خانه مصدق به سرقت می‌رود که یکی از سندها پذیرفتن پادشاهی مشروطه و دخالت نکردن در امور اجرایی از طرف محمدرضا پهلوی بوده است. گفته می‌شود امضای محمدرضا پهلوی پای این سند بود و در گاوصندوق مصدق نگهداری می‌شد.»

آل عوض معتقد است طیب هم نقش پررنگی در این ماجرا داشته و برای سقوط آخرین سنگر مصدق و یارانش تلاش کرده است: «دسته‌لات‌ها، بعد از آویختن پرچم سفید در بالای خانه مصدق به داخل خانه هجوم می‌برند. ساعت ۴ بعدازظهر خانه را کاملاً ویران می‌کنند و حتی قاب عکس‌های داخل خانه را به تاراج می‌برند. روایت شده که ۴ غار تگر سر قالی یک متری داخل خانه در گیر می‌شوند و قالی را تکه پاره می‌کنند.»

عامه، ورود ارادل و اوباش حکومت پهلوی به خانه مصدق را یکی از غم‌انگیزترین سکناس‌های کودتای ۲۸ مرداد می‌داند: «لات‌های مزدور حکومت پهلوی در مسیر حرکتشان، خانه آیت‌الله کاشانی در پامنار را هدف قرار دادند و بعدازظهر خانه دکتر مصدق را غارت کردند. مصدق عادت داشت که اسناد مهم و تاریخی را در گاوصندوق شخصی‌اش پنهان می‌کرد و آنطور که در برخی منابع مکتوب آمده، ارادل و اوباش با آگاهی از این موضوع به محض وارد شدن به خانه نخست‌وزیر، گاوصندوق را باز می‌کنند و محتویاتش را به یغما می‌برند.»

درباره اسناد به سرقت‌رفته از خانه دکتر مصدق روایت‌های مختلفی نقل شده و به نظر می‌رسد روایت عبدالله جندقی، مورخی که شاهد اتفاقات ۲۸ مرداد بوده، از همه موثق‌تر است. آل عوض در این باره

■ موضوع: سرقت اسناد تاریخی
■ موقعیت: خیابان کاخ (فلسطین)

آنطور که در اسناد تاریخی مکتوب آمده، ساماندهی کودتا از ۶ صبح ۲۸ مرداد شروع شد و ارادل و اوباش در میدان‌ها و خیابان‌های اصلی تهران مستقر شدند تا نقش پیاده‌نظام ارتش را در سرنگونی دولت مصدق ایفا کنند. ظهر ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اگره‌سی از لات‌های تهران به سرکردگی شعبان جعفری به سمت خانه مصدق در خیابان کاخ (فلسطین) حرکت کردند. نقل است که شعبان جعفری چنان هیجان زده بود که هفت تیر در دست داشت و مدام به در خانه مصدق می‌کوبید. قبل از شعبان جعفری و دار و دسته‌اش، تانک‌های ارتش با شلیک گلوله، بخش فوقانی ساختمان را ویران کرده بودند. اردشیر آل عوض، محقق فرهنگ

